

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 21, No. 2, Spring 2021, 179-204  
Doi: 10.30465/crtls.2020.30062.1778

## **An Analysis and Critique of the Translation of *Al-Sharia Al-Arabiya* with a Contrastive Criticism Approach to the Translation**

**Aliasghar Shahbazi\***

### **Abstract**

Al-Sharia Al-Arabiya, a book written by Adonis, is one of his works dealing with critique, published almost thirty years ago. Despite its small size, the book encompasses integrated information about the nature of Arabic poetry and its evolution through history. The author meticulously explores Arabic poetry and discusses its foundations from the perspective of ancient critics and orators. The four chapters of the book include subjects on origins of Arabic poetry, identity of rhythm and music of poetry, analysis of aesthetic issues and their connection with Qur'anic research, and struggle between tradition and modernity. The Persian version of the book, published under the title 'Boutigha-ye Arabi', is one of the most recent works by Adonis translated into Persian. The book is translated by Amir Abu Sassani and Omid Pourhassan by Amir Kabir Publications in 2018. The analysis of the translation of the book shows that despite some grammatical errors and inaccuracies in choosing equivalents, the translators have provided a proper translation, transmitting the message and the content fluently and expressively. Adding diacritical marks to the Quranic verses as well as lines and words in the poems and including a list of sources and indexes in the final part of the translation are the advantages of the book. However, with respect to the translation, inconsistency in using equivalents, collocational clashes, and improper omissions at the word level are some of the weak points.

**Keywords:** Arabic Poetry, Arabic Poems, Adonis, Contrastive Criticism.

---

\* Assistant Professor, Arabic Language and Literature Department, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, shahbazi@hum.ikiu.ac.ir

Date received: 26/10/2020, Date of acceptance: 03/04/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیست‌ویکم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۰، ۱۸۱-۲۰۴

## ارزیابی برگردان کتاب الشعرية العربية با رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه

علی اصغر شهبازی\*

### چکیده

کتاب *الشعرية العربية* ادونیس در زمره آثار نقدی اوست که از تاریخ نشر آن قریب به سی سال می‌گذرد. این اثر با وجود حجم اندک مطالبی یک پارچه پیرامون سیر تحول شعر عربی در گذر تاریخ دارد. نویسنده در چهار فصل با نگاهی موشکافانه پیدایش شعر عربی را می‌کاود و از منظر ناقدان قدیم مبانی زیباشناختی آن را مورد تحلیل قرار می‌دهد. این کتاب از جمله تازه‌ترین آثار ترجمه‌شده ادونیس به فارسی است که به قلم حسین ابویسانی و امید پورحسن با عنوان *بوطیقای عربی* در سال ۱۳۹۷ ش به چاپ رسید. بررسی و تحلیل متن عربی با برگردان فارسی این اثر با رویکرد نقد تقابلی ترجمه بیان‌گر این است که با وجود برخی لغزش‌ها در واژه‌گزینی و سهوهای دستوری مترجمان در انتقال پیام و مضمون عبارات برگردان ارزنده‌ای ارائه داده‌اند که روان و رسا جلوه می‌کند. اعراب‌گذاری آیات و ابیات عربی، تنظیم فهرست منابع، و افزودن نمایه در بخش پایانی کتاب از ویژگی‌های مثبت این ترجمه به‌شمار می‌آید، اما در بخش محتوای ترجمه، عدم یک‌سان‌سازی برگردان اصطلاحات ادبی، عدم تناسب برخی معادل‌ها با عناصر هم‌نشین، خطا در واژه‌گزینی، و حذف‌های نابه‌جا از آسیب‌های اصلی ترجمه یادشده است که رفع آن در چاپ‌های بعدی بر غنای این ترجمه خواهد افزود.

**کلیدواژه‌ها:** *الشعرية العربية*، *بوطیقای عربی*، ادونیس، نقد مقابله‌ای ترجمه.

\* استادیار زبان و ادبیات عربی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

shahbazi@hum.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

## ۱. مقدمه

بی‌گمان، ترجمه در کنار آثار مثبتی چون به‌کارانداختن قوه خلاقیت زبانی، کوشش در یافتن واژه‌ها و شیوه‌های بیانی تازه گاه در فراز و فرود لغزش‌های زبانی قرار می‌گیرد که این مسئله اغلب خود را در قالب ساختارهای کم‌بنیه زبانی، گرت‌برداری‌های دستوری، و اقتباس عناصر قاموسی بیگانه، و مانند آن نشان می‌دهد. یکی از رویکردهای اصیل در عرصه ارزیابی این پی‌آمدهای مثبت یا منفی زبانی رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه (contrastive criticism) است که منتقد با مقابله دو متن اصلی و ترجمه‌شده به بررسی هم‌ارزی دو متن می‌پردازد (خزاعی فرید ۱۳۹۳: ۸۰). محور ارزیابی در این رویکرد اغلب مبتنی بر بررسی واژگان، ساختار، معنای کلام، گونه‌های زبانی، و تأثیر ادراکی و ادبی است که نباید به‌طور متنوع از هم مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا این عوامل برای آفرینش یک متن به‌طور جمعی تشریک‌مساعی می‌کنند (لطفی‌پور ساعدی ۱۳۷۱: ۷۹). تحلیل مقابله‌ای اغلب جدا از مطالعه ترجمه پنداشته می‌شود، اما در واقع مرزی دقیق میان این دو وجود ندارد و انگیزه اصلی در هریک تعیین کیفیت ترجمه است. اما از آن‌جاکه کیفیت مفهومی نسبی است ارزش‌یابی نیز، با توجه به اهداف آن و بافتی که در آن انجام می‌گیرد، بر معیارهای نسبی استوار است؛ از همین رو، در این زمینه الگوهای نقدی و رویکردهای ارزیابی متنوعی مطرح شده است (پالامبو ۱۳۹۰: ۷-۸) تا اصالت زبان‌ها و الگوهای دستوری آن‌ها در فرایند ترجمه از آسیب‌های احتمالی و آثار منفی به‌دور ماند. این مهم در سال‌های اخیر در حوزه‌ای مستقل به‌نام «مطالعات ترجمه» (translation studies) مطرح بوده و پیوسته معرفی و تعیین کیفیت (quality) ترجمه آثار در قالب‌های مختلف خود مورد اهتمام قرار گرفته است.

در پژوهش پیش‌رو، ترجمه کتاب *الشعرية العربية* با عنوان *بوطیقای عربی* با تکیه بر رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه بررسی شد. این ترجمه در زمره جدیدترین برگردان آثار ادونیس در ایران به‌شمار می‌آید که به‌قلم حسین ابویسانی و امید پورحسن در سال ۱۳۹۷ روانه بازار شد. درباب اهمیت این اثر و برگردان آن باید گفت که مؤلف آن از تأثیرگذارترین ادبا در جریان شعر و نقد معاصر عرب به‌شمار می‌آید، و «سهم وی در تاریخ ادب عربی، به‌عنوان یک ناقد هوشیار و یک شاعر نوسخن، سهم قابل‌ملاحظه‌ای است» (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: ۲۰۷). این اثر دیدگاه‌های مهم ادونیس را درباب پیدایش شعر عربی و سیر تحول آن به‌نمایش می‌گذارد و به‌نوعی در امتداد بحث‌های کتاب *الثابت و المتحول*

ارزیابی برگردان کتاب *الشعرية العربية* با رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه (علی اصغر شهبازی) ۱۸۳

اوست. نگاه جامع نویسنده و سیر منطقی مباحث و تحلیل‌های ارائه‌شده درباب شعر و ارتباط آن با دیگر عناصر برجسته چون موسیقی، محیط، و فرهنگ به این اثر ویژگی فرازبانی بخشیده و آن را از محدوده زبان عربی خارج ساخته است. از این منظر، پاره‌ای از مطالب این کتاب را در شناخت زبان و فرهنگ ایرانی نیز می‌توان مؤثر پنداشت. مسئله‌ای که مترجمان در مقدمه برگردان این اثر هم به آن اشاره داشته‌اند؛

برخی از سخنان [ادونیس] درباره فرهنگ ایرانی نیز مصداق دارد... این که به مخاطب ایرانی نشان دهند که یک شاعر و روشن‌فکر عربی چه می‌بیند، چه می‌گوید، به دنبال چیست و دست روی چه مسائلی می‌گذارد. هدف دیگر این بود که حضور این کتاب در زبان فارسی ضروری می‌نمود؛ زیرا مباحث مطرح شده در آن برای فهم فرهنگ خودی مفید به نظر می‌رسید (ادونیس ۱۳۹۷: ۸).

باتوجه به این مهم، ارزیابی کیفیت ترجمه این اثر نیز روشن می‌شود؛ چراکه انتقال درست دیدگاه‌های این ادیب بزرگ به دلیل اهمیت جایگاه وی از ره‌گذر ترجمه، موجبات آشنایی هرچه بهتر با اندیشه وی می‌شود و درکنار دیگر آثار ترجمه‌شده وی مجموعه‌ای کامل از آثار او برای علاقه‌مندان و دانشجویان فراهم می‌شود. باتوجه به مطالب ذکرشده، پژوهش انتقادی حاضر در تلاش است تا درجهت ارزیابی ترجمه کتاب یادشده به دو سؤال ذیل پاسخی مناسب ارائه دهد:

الف) برجسته‌ترین ویژگی‌های ترجمه کتاب *الشعرية العربية* در چهارچوب نقد تقابلی ترجمه کدام‌اند؟

ب) ترجمه کتاب *الشعرية العربية* از منظر شکلی و محتوا چه امتیازها و ایرادهایی دارد؟

## ۲. پیشینه پژوهش

باتوجه به اهمیت جایگاه ادونیس در ادب عربی، در سال‌های اخیر ترجمه آثار او به فارسی رشد فزاینده‌ای داشته است. در این میان، پژوهش‌گرانی هم با نگاه انتقادی به ارزیابی کیفیت برگردان آثار او اهتمام داشته‌اند. برای نمونه، قنديل‌زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «دلالت‌های بی‌دلیل، تبدیل‌های بی‌بدیل» به بررسی و نقد ترجمه کتاب *الثابت و المتحول* به قلم حبیب‌الله عباسی پرداخته است. گرجامی (۱۳۹۵) هم در پژوهشی با عنوان «سیالیت نشانه‌های ادبی در ترجمه متن شعری (موردپژوهانه ترجمه دیوان اغانی مهیار الدمشقی ادونیس)» نگاه انتقادی به برگردان این مجموعه شعر دارد.

با وجود اهمیت کتاب *الشعرية العربية* و ترجمه آن، ارزیابی تقابلی برگردان این اثر در هیچ پژوهشی انجام نیافته است. دو فصل اول کتاب برای بار نخست به قلم کاظم برگ‌نسی در سال ۱۳۷۶ ترجمه شد و در بخش پایانی برگردان کتاب *مقدمه للشعر العربي* (پیش‌درآمدی بر شعر عربی) ادونیس منتشر شد. در سال ۱۳۹۵ نیز پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد با عنوان *بررسی دیدگاه‌های نقدی ادونیس از ره‌گذر ترجمه الشعرية العربية* به قلم کبری ترکشوند نگاشته شد که در آن پژوهش‌گر ضمن بررسی دیدگاه‌های نقدی ادونیس به ترجمه این اثر همت گماشت، اما ترجمه نخست به دلیل کامل نبودن و پژوهش دوم نیز به دلیل عدم پختگی نثر ترجمه و داشتن ضعف‌های متعدد با ترجمه موردبررسی در این پژوهش قابل مقایسه نیستند.

باتوجه‌به این پیشینه، در پژوهش پیش‌رو تلاش شد تا پس از مطالعه کامل *بوطیقای عربی* و مقابله آن با متن عربی اثر کیفیت ترجمه عرضه‌شده ارزیابی شود.

### ۳. معرفی ادونیس و ترجمه آثار او به فارسی

علی احمد سعید، که نام مستعارش برگرفته از نام الهه باروری فینیقی‌های باستان است، در سال ۱۹۳۰م در لاذقیه (سوریه) متولد شد. زندگی او با خواندن قصیده‌ای درمقابل رئیس‌جمهور این کشور دگرگون شد و به دستور وی تحصیلات رسمی را در مدرسه فرانسوی آغاز کرد تا این‌که در رشته فلسفه از دانشگاه دمشق دانش‌آموخته شد و این در زمانی بود که مردم سوریه در فقر، بیماری، و بی‌سوادی گسترده به سر می‌بردند (خیر ۲۰۱۰: ۶-۷). وی از سال ۱۹۴۸ م نام خود را به ادونیس تغییر داد تا به اعتراف برخی با این تغییر نام از سنت‌های تقلیدی عرب دوری‌گزیند (بوهرور ۲۰۰۷: ۳۵۰).

ادونیس با حضور فعال در عرصه نقد و مشارکت در انتشار مجله شعر در کنار ادبایی چون یوسف الخال و خلیل حاوی و حرکت در مسیر نوگرایی تأثیری عمیق در تحول شعر عربی بنیان نهاد و به پیشوای مدرنیسم عربی شهره شد (یسوعی و الأب ۱۹۹۶: ۱۶۱). به تعبیر شفیعی کدکنی در کتاب *شعر معاصر عرب* «اگر طه حسین را در نسل قدیم ادیبان عرب نوسخن‌ترین ناقد و ادیب به‌شمار آوریم ادونیس را در میان ادیبان نسل بعد از جنگ جهانی دوم باید فرد اکمل و هوشیارترین ناقد به‌شمار آورد» (شفیعی کدکنی ۱۳۸۷: ۲۰۵-۲۰۶).

آثار ادونیس را می‌توان در دو بخش کلی اشعار و نقد جای داد. در بخش سروده‌ها از وی دیوان‌هایی چون *قصائد اولی، أوراق فی ریح، أغانی مهبیار الدمشقی، المسرح والمرايا، و*

ارزیابی برگردان کتاب *الشعرية العربية* با رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه (علی‌اصغر شهبازی) ۱۸۵

قالت الأرض به نشر رسیده است و کتاب‌هایی چون *زمن الشعر، الثابت والمتحول، الشعرية العربية، النص القرآنی و آفاق الكتابة، الصوفية وسوريالية، و مقدمة للشعر العربي* از برجسته‌ترین آثار نقدی وی به‌شمار می‌آیند.

توجه به برگردان آثار یادشده به فارسی از دهه ۱۳۷۰ شمسی آغاز شد و در سال‌های اخیر مترجمان و پژوهش‌گران زیادی به تحقیق و ترجمه آثار وی پرداخته‌اند که در ذیل فهرستی از این ترجمه‌ها به ترتیب تاریخی ذکر شده است:

- *مقدمة للشعر العربي* (پیش‌درآمدی بر شعر عربی)، ترجمه کاظم برگ‌نیسی، تهران، نی، ۱۳۷۶.
- *أغاني مهيار الدمشقي* (ترانه‌های مهیار دمشقی)، ترجمه کاظم برگ‌نیسی، تهران، کارنامه، ۱۳۷۷.
- *أوراق في الريح* (برگ‌ها در باد)، ترجمه حیدر شجاعی، تهران، دادار، ۱۳۸۵.
- *لمس الضوء* (لمس کردن روشنایی)، ترجمه حمید کریم‌خانی، تهران، آهنگ دیگر، ۱۳۸۵.
- *هذا هو اسمي* (این است نام من)، ترجمه حیدر شجاعی، تهران، فهرست، ۱۳۸۸.
- *النص القرآنی و آفاق الكتابة* (متن قرآنی و آفاق نگارش)، ترجمه حبیب‌الله عباسی، تهران، سخن، ۱۳۸۸.
- *الصوفية والسوريالية* (تصوف و سوررئالیسم)، ترجمه حبیب‌الله عباسی، تهران، سخن، ۱۳۸۸.
- *تنبأ أيها الأعمى* (پیش‌گویی کن ای نابینا)، ترجمه حمزه کوتی، تهران، افراز، ۱۳۸۹.
- *الثابت والمتحول، بحث في الإبداع والإتياع عند العرب* (سنت و تجدد یا ثابت و متحول؛ پژوهشی در نوآوری و سنت عرب)، ترجمه حبیب‌الله عباسی، تهران، سخن، ۱۳۹۰.
- *ليس الماء وحده جوابا عن العطش* (آب به‌تنهایی پاسخ‌تشنگی نیست)، ترجمه حبیب‌الله عباسی، تهران، حکایت قلم نوین، ۱۳۹۴.
- *أوراق في الريح* (برگ‌هایی در باد)، ترجمه محبوبه افشاری، تهران، نیماژ، ۱۳۹۵.
- *الكتاب أمس المكان الآن* (کتاب گذشته مکان اکنون)، ترجمه امیرحسین الهیاری، تهران، مولی، ۱۳۹۶.

- *أول الجسد آخر البحر* (از پیکر تا دریا)، ترجمه اصغر علی‌کرمی، تهران، نزدیک‌تر، ۱۳۹۶.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، ترجمه آثار ادونیس به فارسی بی‌وقفه در سه دهه اخیر انجام یافته است و این درکنار نگارش ده‌ها آثار پژوهشی در قالب پایان‌نامه و مقاله است که به‌طور خاص اشعار و اندیشه این ادیب نامی را مورد واکاوی قرار می‌دهد. در این میان، برخی از مترجمان نیز با گزینش و ترجمه قطعه‌های مشهور این شاعر آثاری را منتشر کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ترجمه‌هایی چون *و عشق به من می‌گوید* (*عاشقانه‌های ادونیس*) به قلم موسی بیدج، *ستاره‌ها در دست* (*گزیده‌هایی از اشعار ادونیس*) ترجمه موسی اسوار، و *من از آینده می‌آیم* برگردان عبدالحسین فرزاد اشاره کرد.

### ۱.۳ کتاب *الشعرية العربية* و جایگاه آن

این اثر در بیروت در انتشارات «دار الآداب» در حجمی متوسط و در ۱۱۲ صفحه به سال ۱۹۸۵ م منتشر و در سال‌های ۱۹۸۹ و ۲۰۰۰ م نیز تجدیدچاپ شد. هم‌چنین، این سخن‌رانی‌ها در انتشارات «دار سندباد» در سال ۱۹۸۵ م به زبان فرانسه منتشر شد. به‌طور کلی، تبحر نویسنده در پیشینه موضوع در میراث کهن عربی از یکسو و بهره‌گیری از منابع مهم و دست‌اول تحقیق از سوی دیگر این اثر را در میان کتب و مطالعات نقدی دیگر این حوزه برجسته ساخته و منبعی اصیل برای پژوهش‌گران قرار داده است.

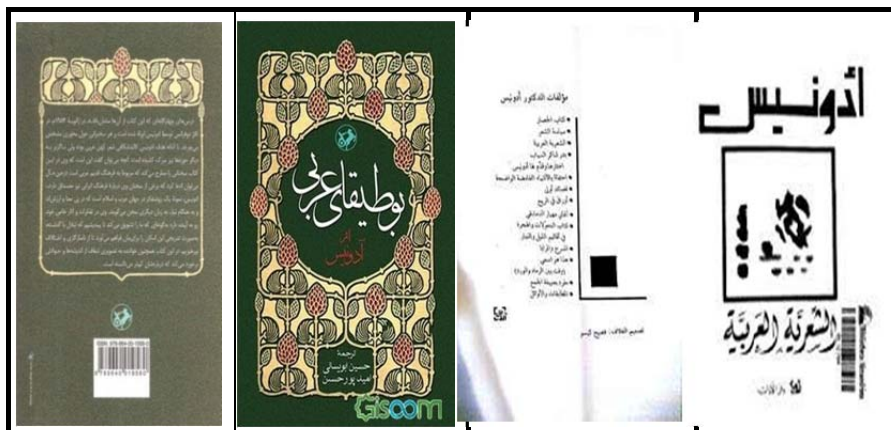
کتاب *الشعرية العربية* با مقدمه‌ای از ایو بونفوا (Yves Bonnefoy)، شاعر، ناقد، و استاد کرسی شعر در کلژ دو فرانس، آغاز می‌شود که در آن وی به دلایل شکل‌گیری و محتوای اثر اشاره می‌کند. بونفوا در این مقدمه از تأثیر سخنان ادونیس بر حاضران و تسلط وی به زبان فرانسه سخن می‌گوید و معتقد است با شیوه خوانش ادونیس می‌توان به شالوده میراث ادب عربی دست یافت. وی در پایان مقدمه، ضمن سپاس‌گزاری از ادونیس، امیدوار است پژوهش در حوزه ادب عربی جایگاه مناسب خود را در جامعه فرانسوی پیدا کند. پس از این مقدمه، فصول چهارگانه کتاب که تقریباً حجم برابری دارند آمده است. عنوان این فصول به ترتیب عبارت‌اند از بوطیقا و گفتاربنیادی جاهلی، بوطیقا و فضای قرآنی، بوطیقا و تفکر، و بوطیقا و مدرنیسم. هریک از این عناوین را می‌توان مقاله‌ای واحد به‌شمار آورد که در پیوند و تسلسل منطقی با یک‌دیگر قرار دارد و در حوزه‌ای واحد قرار می‌گیرد و از آن‌جا که مخاطبان نخست این اثر فرانسوی‌ها بوده‌اند، ادونیس مطالب را به‌شکلی گذرا بیان کرده و از بیان جزئیات موضوع پرهیز کرده است.



در فصل نخست، نویسنده این اثر به پیدایش شعرسرایی در میان عرب می‌پردازد و «سماح» را تنها راه انتقال آن به نسل‌های بعدی به‌شمار می‌آورد. در ادامه، معیارهای ارزیابی شعر در میان قدما را بررسی و به اهمیت موسیقی و وزن شعر اشاره می‌کند. در فصل دوم، به بررسی نقش ساختار نوشتاربنیادی قرآن بر شعر عربی می‌پردازد و به ترتیب تاریخی آرای نقاد و ادبا در این عرصه را کنکاش می‌کند. فصل سوم این کتاب با موضوع ارتباط بوطیقای عربی و تفکر آغاز می‌شود. در این بخش، نویسنده مباحثی چون بیان مجازی، ابعاد روانی، و معرفت‌شناختی سراینده را مطرح می‌کند و اهمیت آن را در ظهور شعر موردسنجش قرار می‌دهد. فصل پایانی نیز به موضوع بوطیقا و مدرنیسم اختصاص یافته است. چالش هویت عربی در برابر رویکرد نوگرایی غرب، اهمیت بازخوانی سنت ادبی، و آفرینش شعری از موضوعات برجسته این بخش است.

#### ۴. ارزیابی ابعاد شکلی ترجمه

متن اصلی و ترجمه کتاب هر دو در قطع رقعی به‌چاپ رسیده است. *الشعرية* طرح جلدی ساده دارد که نام نگارنده و عنوان کتاب با قلمی درشت بر چهره آن خودنمایی می‌کند. در پشت جلد کتاب هم آثار برجسته ادونیس معرفی شده است؛ اما ترجمه اثر با نقش و نگاری جذاب‌تر دیده می‌شود. رنگ سبز زیتونی با طرح اسلیمی و عنوان برجسته «بوطیقای عربی» بر روی جلد هویتی خاص به این ترجمه بخشیده است. از یک‌سو، انتخاب واژه «بوطیقا» در عنوان فارسی کتاب به‌لحاظ پیشینه کهن این واژه در حوزه ادبی و مأنوس بودن آن و از سوی دیگر، پیوند محتوای اثر با مسائل بنیادین شعر از دیگر معادل‌های کلمه «الشعرية» مناسب‌تر به نظر می‌رسد و به‌نیکی غرض بررسی ادبیات «درمقام آفرینش کلامی را بر مخاطب متصور می‌سازد» (مکاریک ۱۳۸۳: ۶۵). در پشت جلد هم شرحی گزیده‌درباب محتوای اثر و اهمیت ترجمه آن در دوازده سطر ملاحظه می‌شود.



تصویر ۱. مقایسه طرح جلد کتاب *الشعرية العربية* با طرح جلد ترجمه آن

#### ۱.۴ امتیازات ترجمه اثر

از محاسن ظاهری ترجمه این اثر تنظیم بخش‌های فصول آن است که هم‌چون متن اصلی با شماره‌گذاری از یک‌دیگر جدا شده است و برگردان پارگراف‌ها و عبارات نظم و نسق متن عربی را نشان می‌دهد. انتخاب قلم مناسب و نگارش عنوان فصول در بالای هر صفحه شکل ظاهری متن ترجمه را آراسته ساخته است. افزودن پاورقی‌های توضیحی مانند پاورقی صفحه ۴۵ و نگارش لاتین اسامی و القاب بیگانه در پانویشت ترجمه (مانند ص ۹، ۱۰، ۳۴، ۷۲، و...) از محاسن ترجمه یادشده است. هم‌چنین، ابیات، نام کتب، و اعلام عربی در متن با دقتی خاص اعراب‌گذاری شده است تا مخاطب فارسی‌زبان آن را به‌راحتی بخواند. مترجمان در بخش پایانی ترجمه هم به تنظیم فهرست منابع و مآخذ موجود در متن کتاب پرداخته‌اند و پس‌از آن بخشی را به نمایه‌ عناوین کتب و نام اشخاص و مکان‌ها اختصاص داده‌اند که از ویژگی‌های مثبت این ترجمه به‌شمار می‌آید.

#### ۲.۴ خطاهای نگارشی در *بوطیقای عربی*

به‌طور کلی، کم‌تر کتابی روانه بازار می‌شود که از سهوها و خطاهای چاپی تهی باشد. این خطاها اغلب دشواری مطالعه را به‌هم‌راه دارد. آسیب‌های ناشی از این خطاها را نمی‌توان برابر دانست. خوش‌بختانه در ترجمه کتاب *الشعرية العربية* خطاهای چاپی کمی به‌چشم می‌آید و خواننده فارسی اغلب این خطاها را با تکیه بر بافت و سیاق جملات

ارزیابی برگردان کتاب *الشعرية العربية* با رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه (علی اصغر شهبازی) ۱۸۹

درمی‌یابد، اما لغزش‌هایی هم در هنگام ترجمه کلمات و عبارات عربی روی داده است که همه این موارد در جدول ذیل (جدول ۱) آورده شده است.

جدول ۱. خطاهای چاپی در متن بوطیقای عربی

ردیف	شماره صفحه ترجمه	سطر	متن ترجمه	تصحیح
۱	۱۲	۱۵	کولوژ	کلز
۲	۱۶	۳	تَعَنَّ	تَعَنَّ َ َ َ
۳	۱۸	۲۱	غاشیه: ۲۶	غاشیه: ۲۵، ۲۶
۴	۱۹	۲۰	(المقدمة: ۵۹۶)	(المقدمة: ۵۶۹)
۵	۲۴ (پاورقی)	۴	ترکیب و آواها	ترکیب آواها
۶	۳۵	۱۰	شیوه‌ای	شیوه‌ی
۷	۴۳	۱۲	نظم	نظر
۸	۴۴	۷	اجتماعی	احتمالی
۹	۵۰	۷	(همان: ۱۹۲-۱۹۷)	(همان: ۱۹۲-۱۹۷)
۱۰	۵۰	۱۸	(همان: ۳۴۶)	(همان: ۳۶۴)
۱۱	۵۴	۱۳	(درگذشته ۶۳۸ ق)	(درگذشته ۶۳۷ ق)
۱۲	۵۷	۱	خواستگاه	خاستگاه
۱۳	۷۷	۴	بازگردادن	بازگرداندن
۱۴	۸۳	۲۳	مدرنیته عربی	مدرنیته غربی
۱۵	۸۷	۱۸	رامبو	رمبو
۱۶	۸۷	۲۱	ویژگی زمانی - بیانی (خاصيتها اللغوية - التعبيرية)	ویژگی زبانی - بیانی
۱۷	۸۹	۵	فعالیت علمی (الممارسة العلمية)	فعالیت عملی
۱۸	۹۲	۱۰	پرسش پیوسته (القفز المتواصل)	پرش پیوسته
۱۹	۹۸	۱۱	اصالت‌مان	اصالت‌مان
۲۰	۱۰۸	۱۱	گذشته	گذشته‌ای
۲۱	۱۰۸	۲۰	زبان هنری	زبان عربی
۲۲	۱۱۱	۴	فاتحة لنهايت القرن	فاتحة لنهايات القرن
۲۳	۱۱۱	۴	داد العودة	دار العودة
۲۴	۱۱۱	۱۱	مكتنپ الخانجی	مکتبه الخانجی
۲۵	۱۱۱	۲۰	عبدال ملک	عبد الملک
۲۶	۱۱۲	۱	تحثيث	تحقیق

چنان‌که در این جدول ملاحظه می‌شود، ضبط نادرست شماره آیات و اعداد، خطا در واژه‌ها، و لغزش‌های نگارشی بخشی از این موارد است که بهتر است در چاپ‌های بعدی کتاب اصلاح شود. از دیگر خطاهای نگارشی در این ترجمه جابه‌جایی نگارش مصرع‌ها در این بیت از بشاربن برد است که در پاورقی صفحه ۳۱ ملاحظه می‌شود:

إِذَا مَا أَرَادَ الْقَوْلَ زَوَّرَهُ شَهْرًا فَهَذَا بَدِيهَةٌ، لَا كَتَحْبِيرِ قَائِلٍ

نادرست:

فَهَذَا بَدِيهَةٌ، لَا كَتَحْبِيرِ قَائِلٍ إِذَا مَا أَرَادَ الْقَوْلَ زَوَّرَهُ شَهْرًا

چنان‌که در دیوان بشار نیز این‌گونه ثبت شده است (بشاربن برد ۱۹۸۱: ۱۱۹).

مطابقت میان صفت و موصوف به پیروی از دستور عربی یکی از موارد خروج از زبان فارسی معیار است که در برگردان ترکیب‌های وصفی ملاحظه می‌شود؛ برای نمونه:

متن عربی: «ولما كانت الأُلحان الكاملة هي التي توجد بالصوت الإنساني» (ادونیس ۱۹۸۹: ۲۰)؛ «الأُلحان الكاملة نافعة في إفادة الهيئات والأخلاق» (همان: ۲۱).  
ترجمه: «آهنگ‌های کامله همان چیزی است که با صدای انسان شکل می‌گیرد» (ادونیس ۱۳۹۷: ۲۶)؛ «آوازهای کامله در بیان اشکال و اخلاق سودمند بوده...» (همان: ۲۷).  
ترجمه صحیح: آهنگ‌های کامل.

کاربرد نادرست نشانه «را»ی مفعولی نیز یکی از خطاهای نگارشی است که عدم کاربرد درست آن روانی و رسایی متن را مخدوش می‌کند. در ترجمه بوطیقای عربی نمونه‌هایی از آن به چشم می‌خورد:

- سطر اول صفحه ۳۷: «لذا در چنین خوانشی از ما، می‌بایست سکوت و آنچه ساکت است را نیز مورد مطالعه قرار داد»؛ صحیح: «... سکوت و آنچه که ساکت است، نیز مورد مطالعه قرار داد».

- سطر هفتم صفحه ۶۳: «آنچه را که ما جای خالی‌اش را در این نظریه احساس می‌کنیم»؛ صحیح: «آنچه که ما جای خالی‌اش را در این نظریه احساس می‌کنیم».

## ۵. نقد مقابله‌ای ترجمه فارسی کتاب *الشعرية العربية*

### ۱.۵ معادل‌یابی واژگانی

برخورد با واژه‌ها مرحله ابتدایی پیش‌روی هر مترجمی است. واژه‌ها دست در دست هم سازنده معانی و مفاهیم متن‌اند و از چگونگی چینش آن‌ها معانی قابل‌درک می‌شود؛ اما نباید این‌گونه پنداشت که ترجمه تنها انتخاب واژه‌های معادل در زبان مقصد برای متن زبان مبدأ است:

زیرا عناصر متنی مختلف زیادی از جمله روابط نحوی و ساختمان جمله‌ای (ترتیب واژه‌ها، زمان، وجه افعال، و غیره) و روابط متنی و بین‌جمله‌ای ضمایر و مراجع آن‌ها، روابط معنایی بین جملات و عناصر شبه‌زبانی در انتقال معانی تشریک‌مسانی می‌کنند که واژگان یکی از آن‌ها هستند. معنا و پیام در طی فرایندی از کنش و واکنش کلیه عناصر و عوامل متنی از یک‌سو خواننده متن از سوی دیگر تبلور و تحقق می‌یابد (لطفی پورساعدی ۱۳۷۱: ۸۰).

در سطح واژگانی، گزینش و معادل‌یابی نزدیک به جوهره متن اصلی از اهمیت وافری برخوردار است. در این سطح، وجود عناصر چالشی که از ناهمگونی نظام ادبی زبان‌ها ناشی می‌شود، مترجم را در انتخاب معادل هم‌سان دچار دشواری می‌کند.

در سطح واژگانی، ترجمه کتاب *الشعرية العربية* در چهار بخش کیفیت برگردان واژه‌های مشترک، برابریابی واژه‌های بیگانه، یک‌سان‌سازی معادل‌ها، و اصل هم‌نشینی در ترجمه موردبررسی قرار گرفته است.

### ۱.۱.۵ ناهنجاری برگردان واژه‌های مشترک

اشتراک کلمات در فارسی و عربی و تفاوت معنایی آن‌ها از دشواری‌های ترجمه به‌شمار می‌آید. این واژگان به دلیل سیر تحول معنایی متأثر از عوامل دینی، گسست فرهنگی، کثرت استعمال، به‌گزینی، و مانند آن مترجم را در چالش انتخاب معادل قرار می‌دهد (رمضانی ۱۳۹۶: ۱۵۱). به عبارتی دیگر، «واژگانی که معنای خود را در ذهن تثبیت کرده‌اند هنگام اسناد به معنا و مفهومی دیگر مشکل‌آفرین می‌شوند؛ یعنی، وقتی ما یک مفهوم را در دو زبان به دو واژه مختلف ربط می‌دهیم مشکل کم‌تری داریم تا این‌که بخواهیم یک واژه مشترک را در دو زبان به دو مفهوم متفاوت وابسته کنیم و هم‌زمان دقت کافی داشته باشیم تا مدلول‌های متفاوت دو زبان را به اشتباه جای‌گزین یک‌دیگر نکنیم» (نصیری ۱۳۹۰: ۹۲).

در ترجمه بوطیقای عربی نمونه‌هایی از این مسئله مشاهده می‌شود که موارد زیر از آن جمله است:

- متن عربی: «ومن السكر الذی یحرر الجسد من رقابة المنطق والتقاليد، رمزاً للتححرر الشامل» (ادونیس ۱۹۸۹: ۶۲).

ترجمه: «و مستی و شرب خمر را که جسم را از سانسور منطق و تقالید می‌رهاند، نمادی برای آزادی فراگیر انتخاب می‌کند» (ادونیس ۱۳۹۷: ۶۵).

وارد کردن مستقیم «منطق و تقالید» به ترجمه، ضمن دشوار ساختن معنای جمله، مراد نویسنده را به‌خوبی بیان نمی‌کند؛ چراکه این دو واژه در فارسی معانی گوناگونی دارند و درک معنای مراد برای خواننده دشوار می‌نماید، ضمن آن‌که با معنای مقصود عربی نیز تفاوت دارد. مراد از کلمه «منطق» قوه «عقلانی» است که به انسان معرفت و توانایی تشخیص می‌بخشد و مقصود از «تقالید» نیز آیین مرسوم و عرف شایع در یک جامعه است که هر دو واژه به‌شکل مستقیم وارد نثر ترجمه شده است. کلمه «سانسور» نیز در این جمله هم‌نشین مأنوس و مناسبی برای دو واژه یادشده نیست، چنان‌که بافت و سیاق عبارت نیز چنین مفهومی را تداعی نمی‌کند و به‌جای آن کلماتی چون «قید» یا «نظارت» پیش‌نهاد می‌شود که شمول معنایی گسترده‌تری از آن دارد. بنابراین، بهتر است عبارت بالا به این شکل تصحیح شود: «جسم را از قید عقل و عرف می‌رهاند...».

- متن عربی: «الحدیث من هذه الناحية، یکشف عن نقص ما، أو عن فراغ ما فی القديم. والحدائثة، إذن خروج علی الأصول» (ادونیس ۱۹۸۹: ۸۲).

ترجمه: «سخن در این‌باره نشان‌دهنده وجود یک نارسایی یا یک جای خالی در گذشته است، بر این اساس، مدرنیسم می‌تواند قیام علیه اصول تلقی شود» (ادونیس ۱۳۹۷: ۸۴).

چنان‌که در این ترجمه ملاحظه می‌شود، مترجمان محترم به‌جای برگردان درست کلمه «اصول» خود کلمه را ذکر کرده‌اند، حال آن‌که معنای صحیح این کلمه در عبارت بالا «سنت‌ها» است (ناظمیان ۱۳۸۱: ۷۷) و این معادل معنایی دقیق‌تر را در انتقال مقصود نویسنده در بر دارد که خود واژه «اصول» این مدلول را تداعی نمی‌کند.

- متن عربی: «إنه یکتب التاریخ برؤیا القلب، ونشوة اللغة» (ادونیس ۱۹۸۹: ۶۶)

ارزیابی برگردان کتاب *الشعرية العربية* با رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه (علی اصغر شهبازی) ۱۹۳

ترجمه: «نفری تاریخ را با رؤیای قلب و با نشو و نمای زبان می‌نویسد» (ادونیس ۱۳۹۷: ۶۸).

این واژه هرچند در زمره واژه‌های مشترک نیست، مترجمان آن را واژه‌ای مشترک تلقی کرده و در ترجمه دچار لغزش شده‌اند. «نشوة» مصدر فعل نشی - به معنای «سر مست شدن» است (المعجم الوسيط ۱۴۲۵: ذیل ماده «نشی») که با «نشو و نما» کاملاً متفاوت است و به نظر می‌رسد این کلمه با «نشأة» اشتباه پنداشته شده است.

ترجمه پیش‌نهادی: «نفری تاریخ را با رؤیای قلب و شوریدگی زبان می‌نویسد».

- متن عربی: «ولهذا يتحتم علينا أن نقاربا بطرق مغايرة، خصوصا في هذا العصر الهائل من انفجار المعرفة» (ادونیس ۱۹۸۹: ۹۸).

ترجمه: «این یقین را در ما تقویت می‌کند که تولیدات گذشتگان را علی‌الخصوص در این دوره که انفجار معرفة به صورت سرسام‌آوری رخ داده، با روش‌های متفاوت قرائت کنیم» (ادونیس ۱۳۹۷: ۹۸).

«معرفة» در فارسی به معنای «شناختن»، «شناسایی»، «علم و دانش»، و مانند این‌ها وارد شده است (معین ۱۳۸۶: ج ۲، ذیل مدخل «معرفة»). انتقال مستقیم آن به متن فارسی، آن هم در هم‌آیی با کلمه «انفجار»، ترکیبی نامأنوس در نثر ترجمه پدید آورده است. گفتنی است امروزه ترکیب «انفجار اطلاعات» اصطلاح رایجی در حوزه علوم و فنون است که در عربی نیز معادل «تفجر المعلومات» برای آن مرسوم است. از این رو، برای اصطلاح یادشده، ترکیب‌هایی آشنا و متداول چون «انفجار دانش» یا «فوران علم» پیش‌نهاد می‌شود تا معنای موردنظر برای خواننده ملموس‌تر جلوه کند.

- متن عربی: «ومنها القول بضرورة جمال الابتداء وجمال الانتهاء في القصيدة، أي براعة الاستهلال وبراعة الخاتمة» (ادونیس ۱۹۸۹: ۲۶).

ترجمه: «ضرورت رعایت آغاز و پایان زیبا برای قصیده؛ یا همان براعت استهلال و براعت خاتمه نیز در زمره این ارزش‌هاست» (ادونیس ۱۳۹۷: ۳۲).

کلمه «قصیده» در مثال بالا از جمله واژگان مشترک دیگری است که مترجمان به جای معادل‌یابی درست عیناً آن را وارد ترجمه ساخته‌اند؛ حال آن‌که مفهومی که فارسی‌زبانان از این واژه درک می‌کنند کاملاً متفاوت با معنای عربی آن است. در واقع، مقصود از این لفظ در عبارت بالا «قالب شعری» مرسوم نیست و معادل درست آن در فارسی «شعر» است که البته در مواردی هم در متن ترجمه درست معادل‌یابی شده است.

### ۲.۱.۵ ذکر واژه‌های بیگانه بدون برابرنهادهای فارسی

کاربرد واژه‌های بیگانه با وجود برابرنهادهای مناسب آن‌ها در فارسی مسئله‌ای است که در متن ترجمه بوطیقای عربی به صورت نادر ملاحظه می‌شود. این موضوع ضمن دیریاب کردن متن ترجمه به نوعی خروج از زبان معیار تلقی می‌شود. ذکر واژه‌هایی چون «ناسیونالیستی» (nationalism) در صفحه ۳۶، «تیپولوژی» (typology) در صفحه ۴۰، پوزیتیویسم (positivism) و «اپوزیسیون» (opposition)، هر دو در صفحه ۹۱، به ترتیب معادل انگلیسی واژه‌های «قومیه، نمودجیه، وضعیه، و معارضه» در متن به شمار می‌روند که بهتر است معادل‌های فارسی جای‌گزین آن‌ها شود یا با شرحی گزیده در پانوشت مفهوم آن‌ها روشن شود. البته این مطلب درباره برخی از واژه‌های عربی چون «محاکات» صفحه ۳۹، «لون» صفحه ۷۸، و مانند آن نیز صدق می‌کند.

### ۳.۱.۵ عدم وحدت و یک‌نواختی در معادل‌گزینی

رعایت اصل وحدت و یک‌سان‌سازی در واژه‌گزینی از ضرورت‌های یک برگردان مناسب است که در برگردان متون تخصصی اهمیت خاصی دارد. به‌طور کلی، مترجم می‌بایست در انتخاب معادل ترجمه‌ای واژه‌ها در سراسر متن به‌طور یک‌نواخت عمل کند، یعنی «وقتی عنصری را از زبان مقصد به‌عنوان معادل برای واژه یا اصطلاحی از زبان مبدأ برمی‌گزیند چنین‌گزینی را در سراسر آن متن به‌طور یک‌نواخت تداوم بخشد. در صورت عدم رعایت این اصل، یعنی در صورت ناهمگونی معادل‌های یک عنصر واژگانی زبان مبدأ در قسمت‌های مختلف یک متن، انسجام متنی و در نتیجه پیام اصلی متن لطمه خواهد دید» (لطفی پورساعدی ۱۳۷۱: ۹۴) و موجبات سردرگمی خواننده را فراهم خواهد آورد و سبب می‌شود که او گمان کند متن به دو مفهوم متفاوت اشاره دارد. این پدیده در نگاه برخی از صاحب‌نظران حوزه ترجمه با عنوان «کژتابی اصطلاح» یاد شده است (ژیل ۱۳۹۴: ۲۱۷). بنابراین، تنوع به‌کارگیری اصطلاحات و معادل‌های مترداف برای مفهوم‌های یک‌سان موضوعی است که هر مترجمی لاجرم باید مدنظر قرار داده باشد. در ترجمه کتاب بوطیقا این موضوع در انتخاب برخی از اصطلاحات تخصصی ادبی مراعات نشده است که برجسته‌ترین آن‌ها را در جدول ۲ بیان کردیم.



جدول ۲. تنوع معادل‌یابی در بوطیقای عربی

ردیف	اصطلاح عربی	معادل‌های انتخاب‌شده در متن ترجمه
۱	الإيقاع	آهنگ (سطر بیست‌ودوم: ص ۱۷)، ضرب‌آهنگ (سطر سوم: ص ۳۳)، هارمونی (پاورقی: ص ۱۷)، ریتم (سطر هجدهم: ص ۲۵)، و صفحات دیگر...
۲	الألحان	نغمه‌ها (سطر نهم: ص ۵۹)، آهنگ‌ها (سطر دوازدهم: ص ۲۶)، آوازها (سطر اول: ص ۲۷)، آوازخوانی (سطر هفتم: ص ۲۵)، و ...
۳	النشید	آواز (سطر هشتم: ص ۱۳)، سروده (سطر ششم: ص ۱۵)، آوازگونه (سطر بیست‌وسوم: ص ۳۳)، ترانه‌گونگی (سطر شانزدهم: ص ۵۹).
۴	الإبداع	آفرینش (سطر دهم: ص ۴۴)، پویندگی (سطر بیستم: ص ۱۰۸)، ابداع (سطر دوازدهم: ص ۱۰۶)، خلاقیت (سطر چهاردهم: ص ۱۱۰)، آفرینش‌گری (سطر پنجم: ص ۱۰۲).
۵	الشعرية	بوطیقا (در اغلب صفحات با همین معادل ذکر شده است)، خصوصیت شعری (سطر یازدهم: ص ۴۰)، شعربودگی (سطر نوزدهم: ص ۴۰)، شعرگونه (سطر بیست‌وپنجم: ص ۴۶)، شعرگونگی (سطر بیست‌ویکم: ص ۹۴)، شاعرانگی (سطر هشتم: ص ۶۸)، شعری (سطر بیستم: ص ۸۵).
۶	الحدائة	نوآوری (پاورقی: ص ۹۶)، مدرن‌بودن (پاورقی: ص ۹۶)، مدرنیسم و مدرنیته (سطر دوازدهم: ص ۹۷).

در ادامه، نمونه‌هایی از این موضوع به‌هم‌راه ترجمه‌ها ذکر می‌شود.

ترجمه واژه إيقاع

این واژه از جمله کلمات کلیدی و با بسامد بالا در کتاب ادونیس است که برابرنهاده‌های مختلفی در برگردان آن مشاهده می‌شود:

- متن عربی: «بدأ الإيقاع في الجاهلية سجعا، كما يجع معظم الباحثين» (ادونیس ۱۹۸۹: ۱۰).  
ترجمه: «در نگاه بیش‌تر پژوهش‌گران آهنگ در جاهلیت با سجع شروع شد» (ادونیس ۱۳۹۷: ۱۷).

- متن عربی: «یروی عن الخلیل أنه تکلم فی فنون کثیرة منها: علم الغناء والإيقاع وعلم الکلام والجدل» (ادونیس ۱۹۸۹: ۱۷).

ترجمه: «آورده‌اند که خلیل از فنون بسیاری سخن گفته است که از جمله آن است: آواز، هارمونی، کلام، جدل...» (ادونیس ۱۳۹۷: ۲۴).

- متن عربی: «یقتضی اشتراک الحسّ وقوة التصور لإيجاد جنس الإيقاع الموزون الذی یربط أجزاءها» (ادونیس ۱۹۸۹: ۱۹). «برای ایجاد گونه‌ای ریتم موزون که اجزای آن را هنگام کشیدن...» (ادونیس ۱۳۹۷: ۲۵).

- متن عربی: «الإيقاع أساس القول الشعري الجاهلي، لأنه قوة حية تربط بين الذات والآخر» (ادونیس ۱۹۸۹: ۲۷).

ترجمه: «ضرب‌آهنگ اساس سخن شعر جاهلی لقب می‌گیرد؛ زیرا نیرویی زایاست» (ادونیس ۱۳۹۷: ۳۳).

#### ۴.۱.۵ کم‌توجهی به روابط هم‌نشینی در واژه‌گزینی

بخش اصلی هر ترجمه معادل‌یابی و واژه‌گزینی است. به‌کارگیری معادل آشنا در زبان مقصد درحقیقت بیان یا بازگویی عبارت متن اصلی به زبانی طبیعی‌تر و آشنا‌تر است و همان تأثیری را در خواننده ترجمه می‌گذارد که متن اصلی در خواننده خود گذاشته است.

معادل آشنا در عرف زبان مقصد معادلی است که شاید در فرهنگ لغت ذکر نشده باشد، ولی مترجم اطمینان دارد که این معادل منظور نویسنده متن اصلی را به‌خوبی می‌رساند و علاوه‌برآن باعث روانی و شیوایی متن ترجمه می‌شود (ناظمیان ۱۳۹۱: ۵۴).

در ذیل، معادل‌هایی را که بدون توجه به اصل هم‌نشینی در متن ترجمه بوطیقای عربی ملاحظه می‌شود، موردنقد و بررسی قرار می‌دهیم.

- متن عربی: «تجعل من النص القرآنی نموذجاً أدیباً جديداً، يقابل النموذج الجاهلي ويتخطاه» (ادونیس ۱۹۸۹: ۳۶).

ترجمه: «متن قرآنی را نمونه ادبی جدیدی قلمداد می‌کنند که دربرابر نمونه جاهلی خود قرار می‌گیرد و از آن سرپیچی می‌کند» (ادونیس ۱۳۹۷: ۴۱).

ملاحظه می‌شود، مترجمان معادلی را که برای فعل «یتخطی» انتخاب کرده‌اند پیوند کم‌رنگ‌تری با سیاق عبارت و مراد نویسنده دارد و معنای جمله را نادرست کرده است. ترجمه پیش‌نهادی: «... دربرابر الگوی جاهلی قرار می‌گیرد و از آن فراتر می‌رود».

- متن عربی: «بحیث تزول الهوة التي تفصل بين انفعاله وفعله، بين رغبتة وقدرته» (ادونیس ۱۹۸۹: ۶۲).

ترجمه: «به‌گونه‌ای که حفره فاصل میان عمل و احساس و میان میل و توان او از بین خواهد رفت» (ادونیس ۱۳۹۷: ۶۴).

ترکیب «حفره فاصل» در زبان فارسی بسیار نامأنوس است و مترجمان ترجمه تحت‌اللفظی «هوه» را بدون توجه به روابط عناصر و اجزای جمله ذکر کرده‌اند که با آن‌ها کم‌ترین هم‌خوانی را ندارد.

ترجمه پیش‌نهادی: «شکاف میان عمل و احساس...».

- متن عربی: «أرى أن المستقبل لم يعد ذلك الشيء المجهول المنتظر الذي نترقبه بأمل وفرح، بل أصبح على العكس، يبدو كأنه ماضٍ نكره آلياً» (ادونیس ۱۹۸۹: ۱۰۷).

ترجمه: «دریافتیم که آینده دیگر آن امر ناشناخته‌ای نیست که در نهایت آرزو و شادی به‌انتظار آمدنش نشسته‌ایم، بلکه به‌طور عکس آینده به‌شکل گذشته‌ای درآمد که ابزاروار تکرارش می‌کنیم» (ادونیس ۱۳۹۷: ۱۰۵).

- متن عربی: «وإذا كانت الحداثة بمظهرها التقنوي - الآلي تحيل حياتنا اليوم إلى صحراء من الاستيراد والاستهلاك» (ادونیس ۱۹۸۹: ۹۲).

ترجمه: «اگر امروزه مدرنیسم با پدیده فناورانه - ابزاری خود زندگی ما را به صحرائی از واردات و مصرف کالا بدل می‌کند» (ادونیس ۱۳۹۷: ۹۲).

برگردان قید حالت «آلیاً» در این عبارت به «ابزاروار» نادرست و نامأنوس است و می‌بایست با قیود پرکاربرد و آشنایی چون «خودکار»، «بی‌اختیار»، «ناخواسته»، و مانند آن جای‌گزین شود تا با سیاق فارسی هماهنگ‌تر باشد.

- متن عربی: «جودة النص الشعري في ذاته، هي التي يجب أن تكون معيار التقويم، لا الأسبقية الزمنية» (ادونیس ۱۹۸۹: ۴۳).

ترجمه: «نیکویی ذاتی متن شعری است که می‌بایست معیار استحکام شعر قلمداد شود، نه قدمت زمانی» (ادونیس ۱۳۹۷: ۴۸).

- متن عربی: «وغلبت تبعاً لذلك معايير الشفوية الشعرية في تقويم الشعر» (ادونیس ۱۹۸۹: ۵۷).

ترجمه: «و به‌تبع آن معیارهای گفتاربنیادی بوطیقا بر استواری شعر چیره شده...» (ادونیس ۱۳۹۷: ۶۰).

کلمه «التقويم» در هر دو عبارت به‌معنای «ارزیابی» است و نه «استحکام و استواری»، چنان‌که سیاق هر دو جمله نیز با کلمه «ارزیابی» بیش‌تر تناسب دارد.

- متن عربی: «نشوء نظرة جمالية جديدة - فلم يعد الوضوح الشفوي الجاهلي معياراً للجمال والتأثير» (ادونیس ۱۳۹۷: ۵۴).

ترجمه: «پیدایش نظریه زیبایی‌شناسانه‌ای جدید که در آن دیگر وضوح گفتاربنیادی جاهلی معیاری برای زیبایی و تأثیر نیست».

در ترجمه بالا، کلمه «نظریه» معادل مناسبی برای اسم مره «نظرة» به‌شمار نمی‌آید. چراکه «نظریه» عمدتاً مبتنی بر نظامی از فرضیه‌ها، اصول پذیرفته‌شده، و رویه‌های انجام کار است که به‌منظور توصیف، پیش‌بینی، یا تبیین ماهیت یا رفتار مجموعه خاصی از پدیده‌ها ابداع شده است (بیتس ۱۳۸۷: ۴۲)، درحالی‌که کلمه «نظرة» این معنا را افاده نمی‌کند. ضمن آن‌که واژه «جدیده» را می‌بایست صفت برای «نظرة» به‌شمار آورد، نه «جمالیة»؛ باتوجه‌به این نکات، ترجمه پیش‌نهادی جمله بالا چنین است: پیدایش نگرشی جدید در زیباشناسی؛ زیرا دیگر روشنی‌گفتاربنیادی جاهلی معیار زیبایی و تأثیر نبود.

- متن عربی: «نرى على العكس أن نصّ أبى العلاء منقل غالباً بنوع من الفكرية الباردة، لكن التي ترين عليه في ما يشبه الكابوس الساحق» (ادونیس ۱۹۸۹: ۷۰).

ترجمه: «اما به‌عکس در متن ابوالعلا غالباً شاهد سنگینی نوعی اندیشه ساکن و خشکیم. آن‌چه در متن ابوالعلا دیده می‌شود شبیه به نوعی کابوس خردکننده است» (ادونیس ۱۳۹۷: ۷۲).

## ۲.۵ افتادگی واژه یا عبارت از متن اصلی

مقوله حذف یا افزوده ترجمه‌ای در سطوح مختلفی در متن روی می‌دهد و هردو، باتوجه‌به مقتضیات زبانی، ضروری است، اما این مسئله زمانی موردانتقاد قرار می‌گیرد که امانت‌داری مترجم را خدشه‌دار کند و تصرف او در متن نافی قوانین ترجمه‌ای باشد. به‌طور کلی، مسئله حذف به دلایلی چون «کاستن از فشار ترجمه، ضروری تشخیص ندادن، خطای دید، و غیره رخ می‌دهد و این کار به‌دور از امانت‌داری مترجم است» (نصیری ۱۳۹۰: ۱۲۲). افزوده‌های ترجمه‌ای نیز اغلب برای روان‌سازی متن و نزدیک‌کردن متن برگردان‌شده به زبان مقصد است.

از جمله حذف‌های برجسته در ترجمه این کتاب جانداختن یک پاراگراف از صفحه ۱۰۰ متن اصلی است که حکایت از کم‌دقتی مترجمان محترم دارد و لازم است در چاپ بعدی کتاب موردتوجه قرار گیرد و اصلاح شود:

دون هذا الوعي، قد ينقلب تعارضنا السياسي - الإيديولوجي مع الآخر الغربي، إلى تعارض إنساني - ثقافي وحضاري. وتكشف إرادة الوصول إلى ترسيخ هذا التعارض الأخير، سواء جاءت من جهة الغرب أو من جهة الشرق العربي - الإسلامي، قصداً أو عفواً، عن إرادة إخرى، خصوصاً في عصرنا الراهن، هي توكيد مقولة "التوفيق الغربي"، أي توكيد الثنائية

ارزیابی برگردان کتاب *الشعرية العربية* با رویکرد نقد مقابله‌ای ترجمه (علی اصغر شهبازی) ۱۹۹

الزائفة: غرب متحضر، وشرق عربی اسلامی متخلف. وأقول زوائفة لأنها تستند إلى معيار سطحي - معيار التقنية الآلية، ولأنه لم يعد هناك "غرب" أو "شرق"، يشكل كل منهما، وحدة كلية قائمة بذاتها. كلاهما متعدد، متنوع: في الغرب أنواع كثيرة من الغرب أكثر انحطاطاً من أي انحطاط عربی إسلامی، وفي الشرق العربي الإسلامي أنواع كثيرة من الشرق أكثر تقدماً من أي تقدم غربي (ادونیس ۱۹۸۹: ۱۰۰).

هم‌چنان‌که در برخی از موارد نیز عبارات و کلماتی را محذوف می‌بینیم:

- متن عربی: «الشاعر هو من يؤكد أن الحالات الكونية للوجود كما يفهمها المجتمع ليست هذا الواقع» (همان: ۳).

ترجمه: «شاعر کسی است که اصرار دارد اساس هستی همین واقعیت موجود و موردقبول نیست» (ادونیس ۱۳۹۷: ۱۱). در جمله بالا، عبارت «كما يفهمها المجتمع» در ترجمه ذکر نشده است.

ترجمه پیش‌نهادی: «... احوال هستی که جامعه آن را درک می‌کند واقعیت موجود نیست».

- متن عربی: «للشعر العربي خصوصية بيانية وموسيقية تميزه عن شعر الأمم الأخرى» (ادونیس ۱۹۸۹: ۱۴).

ترجمه: «شعر عربی دارای ویژگی‌هایی بیانی و موسیقایی است که آن را از ملل دیگر متمایز می‌کند» (ادونیس ۱۳۹۷: ۲۱).

در جمله بالا ملاحظه می‌شود که حذف کلمه «شعر» پیش از «الأمم» مضمون عبارت را ناقص کرده و پیام نویسنده با خدشه همراه شده است.

- متن عربی: «وضعت أوزان الشعر لحفظ إيقاعاته وتمييزها عن غيرها من الأوزان والإيقاعات الشعرية اليونانية والسريانية والفارسية والهندية» (ادونیس ۱۹۸۹: ۱۵).

ترجمه: «وزن‌های شعری هم به‌منظور پاسداری از ضرب‌آهنگ‌های آن و نیز متمایز نمودن این وزن‌ها از دیگر اوزان و ضرب‌آهنگ‌های شعر یونانی، فارسی، و هندی وضع گردید» (ادونیس ۱۳۹۷: ۲۲).

کلمه سریانی در ترجمه حذف شده است.

- متن عربی: «من الكتب الأولى التي تناولت النص القرآني، مقارنة بينه وبين النص الشعري الجاهلي، كتاب مجاز القرآن لأبي عبيدة (توفي ۲۰۹ هـ)» (ادونیس ۱۹۸۹: ۳۶).

**ترجمه:** «از جمله نخستین کتاب‌هایی که به متن قرآنی پرداخته و آن را با متن شعری مقایسه کرده کتاب *مجاز القرآن* اثر ابو عبیده (در گذشته ۲۰۹ ق) است» (ادونیس ۱۳۹۷: ۴۲).  
کلمه «جاهلی» حذف شده است.

- **متن عربی:** «لا یشبه فی آی شیء کلام العرب فهو خروج کامل عن کلامهم الفنی بأنواعه کلها» (ادونیس ۱۹۸۹: ۳۹).

**ترجمه:** «به هیچ روی، با سخن عرب همانند و هم‌سان نیست، بنابراین نظم قرآنی به مثابه خروج کامل از سخن عرب - در انواع مختلف آن - است» (ادونیس ۱۳۹۷: ۴۴)؛ سخن هنری ایشان.

- **متن عربی:** «نعطیه فی بعض موضع المتعلم، المقتدی الذی یحسن التشبه بمن أخذ عنه، علماً أن التقليد تقيصة» (ادونیس ۱۹۸۹: ۲۹).

**ترجمه:** «برای برخی دیگر هم جایگاه متعلم و دنباله‌رو را در نظر می‌گیریم؛ زیرا توانسته خود را به نیکی به شکل مقلد خویش درآورد». چنان‌که در این عبارت ملاحظه می‌شود، ترجمه بخش پایانی سخن جرجانی حذف شده است. ترجمه بخش حذف‌شده: «باید دانست که تقلید عیب است».

### ۳.۵ مترادفات و افزوده‌های تفسیری

افزوده‌های تفسیری و مترادفات در ترجمه *بوطیقای عربی* در مقایسه با افتادگی ترجمه‌ای بسیار ناچیز و اندک بوده و اغلب در جهت وضوح و رسایی متن به کار رفته است؛ اما در برخی از نمونه‌ها، نیازی به حضور این مترادفات یا افزوده‌ها به نظر نمی‌رسد؛ برای مثال:

- **متن عربی:** «ومن السكر الذی یحرر الجسد من رقابة المنطق والتقاليد، رمزاً للتحرر الشامل» (ادونیس ۱۹۸۹: ۶۲).

**ترجمه:** «ابونواس به دلیلی *مجون* و *دریدگی* را به عنوان نقابی برای مخفی شدن در پس آن برمی‌گزیند و *مستی* و *شرب خمر* را که جسم را از سانسور منطق و تقالید می‌رهاند» (ادونیس ۱۳۹۷: ۶۵).

- **متن عربی:** «وفی هذا ما یوضح کیف أن عبارتتی ”الإحداث“ و ”المحدث“، اللتین وصف بهما الشعر الذی خرج علی الأصول القديمة، تجیئان من المعجم الدینی» (ادونیس ۱۹۸۹: ۸۰).

ترجمه: «از این مطلب روشن می‌شود که چگونه واژه‌های نوگرایی و نوگرا که به وسیله آن‌ها شعر خارج شده از اصول قدیمی به آن‌ها توصیف می‌شود از فرهنگ دینی به فرهنگ ادبی وارد شده است» (ادونیس ۱۳۹۷: ۸۲).

#### ۴.۵ ترجمه بوطیقای عربی در سطح ساختاری

##### ۱.۴.۵ عدم تعدیل در ساختارهای نحوی

بی‌گمان در فضای ترجمه تغییرها و تعدیل‌های گوناگونی به اقتضای تفاوت دستگاه ساختاری دو زبان صورت می‌پذیرد و جایگاه کنش‌گران جمله را تغییر می‌دهد؛ دگرگونی‌هایی چون تبدیل ساختارهای فعلی به اسم و بالعکس، تغییر عناصر قیدی، تبدیل فعل‌های معلوم به مجهول و بالعکس، و مانند آن همگی در زمره این فرایندها قرار دارند که متناسب با شبکه روابط دستوری زبانی روی می‌دهد و در خدمت روانی و رسایی متن قرار می‌گیرد. در ترجمه کتاب *الشعرية*، سهوهای ملاحظه می‌شود که گاه به دلیل پای‌بندی به ساختار نحوی و گاه به دلیل تعدیل جمله‌هایی نه‌چندان رسا پدید آمده است که نمونه ذیل از جمله آن است:

- متن عربی: «لا يتضمن هذا المبدأ القول بضرورة الابتعاد عن محاكاة الشعر الجاهلي وحسب، وإنما يتضمن كذلك القول بضرورة اكتشاف آفاق غير معهودة في طرق التعبير والغوص في أعماق النفس، ومقاربة الأشياء والعالم. وهذا مما ساعد على إرساء مصطلحات نقدية تؤكد كلها على التفرد والابتداء» (ادونیس ۱۹۸۹: ۵۳).

ترجمه: «اصل یادشده متضمن این سخن نیست که شاعر باید از تقلید شعر جاهلی دست بکشد، بلکه باید افق‌های ناشناخته شیوه بیان، کنکاش در اعماق خویش، و ره‌یافت به اشیا و جهان را نیز کشف کند. این موضوع موجب تثبیت آن دسته از اصطلاحات نقدی شده که همگی بر ویژه‌شدن و آغازیدن تأکید دارند» (ادونیس ۱۳۹۷: ۵۶).

چنان‌که در ترجمه بالا ملاحظه می‌شود، ساختار «نفی» هم‌راه با قید استثنای «حسب» در ترجمه عبارت ملاحظه نشده و جمله به همان شکل منفی و بدون تعدیل ساختاری انتقال یافته است. هم‌چنان‌که حذف بدون قرینه فعل نیز در جمله پایانی از رسایی ترجمه کاسته است. ترجمه پیش‌نهادی جمله بالا این‌گونه است: «این اصل نه تنها بر ضرورت پرهیز از پیروی از شعر جاهلی تأکید می‌کند، بلکه نشان می‌دهد کشف افق‌های ناشناخته در شیوه‌های بیان، ژرف‌کاوی در جان آدمی، و ره‌یافت به اشیا و جهان تا چه میزان ضروری است. این موضوع به تثبیت اصطلاحات نقدی انجامید که همگی بر فردیت و آغازگری تأکید دارند».

#### ۲.۴.۵ کم توجهی به ساختارهای نحوی

درمقابل مسئله یادشده در بخش پیشین، گاه کم توجهی به ساختار دستوری جمله برگردان عبارات را با سهوهای هم‌راه ساخته است. برای نمونه، لغزش‌هایی در ذکر جایگاه مناسب صفت و مضاف‌الیه روی داده که مثال‌های زیر از آن جمله است:

- متن عربی: «إن بنية الفكر العربي السائد، بمنحیبه «القديم» و «الحديث» یتناقض جذباً مع الحدائة» (ادونیس ۱۹۸۹: ۹۲).

ترجمه: «ساختار رایج تفکر عربی، با دو گرایش «قدیم» و «جدید» خود، از اساس با مدرنیسم در تناقض است» (ادونیس ۱۳۹۷: ۹۲). در این ترجمه «رایج» به‌عنوان صفت کلمه «ساختار» در نظر گرفته شده که نادرست است. ترجمه صحیح: «ساختار تفکر رایج عربی».

- متن عربی: «مرآة تعكس مشهد الحياة اليومية» (ادونیس ۱۹۸۹: ۹۳).

ترجمه: «یا آینه‌ای از انعکاس تصویر روزانه زندگی» (ادونیس ۱۳۹۷: ۹۳). در این عبارت نیز کلمه «اليومية» صفت «الحياة» است؛ بنابراین ترجمه صحیح «تصویر زندگی روزانه» است.

- متن عربی: «نوع من الوعد الواثق بمجىء ثقافة لا قمع فيها، ولا قيد، ثقافة تخرج على قيم الأمر والنهى» (ادونیس ۱۹۸۹: ۶۲).

ترجمه: «وعده‌ای اطمینان‌بخش برای برآمدن فرهنگی که سرکوب‌گری می‌کند؛ فرهنگی که از ارزش‌های آمرانه و ناهیانه تهی شده» (ادونیس ۱۳۹۷: ۶۴).

چنان‌که در ترجمه یادشده ملاحظه می‌شود، مترجمان برخلاف نظر نویسنده معنای «نفی» موجود در ساختار جمله را نادیده انگاشته و مقصود جمله را به‌شکل مثبت منتقل ساخته‌اند که برخلاف متن مبدأ است.

ترجمه پیش‌نهادی: «وعده‌ای اطمینان‌بخش بر ظهور فرهنگی بی‌قیدوبند...».

- متن عربی: «لا يفهمها حق الفهم إلا من له ذهن ونظر يرتفعان به عن طبقة العامة» (ادونیس ۱۹۸۹: ۴۹).

ترجمه: «این تصاویر را تنها کسی درک می‌کند که تفکر و دید وی از سطح فهم عامه فراتر باشد» (ادونیس ۱۳۹۷: ۵۲). چنان‌که ملاحظه می‌شود، در برگردان این عبارت به ساختار مفعول مطلق دقت نشده است.

ترجمه پیش‌نهادی: «به‌نیکی درمی‌یابد».



## ۶. نتیجه‌گیری

با نگاهی به ترجمه فارسی کتاب *الشعرية العربية* ادونیس و تحلیل و نقد تقابلی متن عربی و فارسی در دو بخش واژگانی و ساختاری به نتایج ذیل دست یافته شد:

۱. بررسی این اثر در بعد شکلی بیان‌گر آن است که با وجود ویژگی‌های مثبتی چون صفحه‌آرایی مناسب، افزودن پاورقی‌های توضیحی، تنظیم کتاب‌نامه و نمایه، اعراب‌گذاری دقیق ابیات و نام‌ها و کتب عربی در متن هم‌چنان خطاهای متعددی از نظر نگارشی و چاپی در متن ملاحظه می‌شود که در متن مقاله و در قالب جدول به عمده این موارد اشاره شد و امید است در چاپ‌های بعدی این ترجمه مورد عنایت مترجمان گرامی واقع شود.

۲. ارزیابی شکلی متن عربی و فارسی نشان از التزام مترجمان در مراعات بخش ظاهری کتاب دارد. بخش‌های فصول هم‌چون متن اصلی با شماره‌گذاری جدا شده است و برگردان پارگراف‌ها و عبارات نظم و نسق متن عربی را نشان می‌دهد.

۳. در بخش محتوایی، رعایت ساختارهای فارسی و تقدیم و تأخیر واژه‌ها براساس جمله‌بندی فارسی از امتیازات این ترجمه به‌شمار می‌رود؛ اما عدم اهتمام لازم بر یک‌سان‌سازی معادل‌ها و اصطلاحات ادبی نقص اصلی ترجمه مورد بررسی است. ذکر معادل‌های متنوع بر اصطلاحات کلیدی و پرتکرار متن فهم عبارات را بر خواننده فارسی دیرپاب ساخته و در برخی موارد موجب اختلال ترجمه شده است.

۴. کم‌توجهی به اصل امانت‌داری هم در بخشی از ترجمه در قالب حذف کلمه و جمله ملاحظه می‌شود. از جمله آن برگردان یک پاراگراف (در حدود سیزده سطر) از صفحه ۱۰۰ متن اصلی از قلم افتاده است که حکایت از کم‌دقتی مترجمان محترم دارد و لازم است در چاپ بعدی کتاب مورد توجه قرار گیرد و اصلاح شود.

۵. از نظر واژه‌گزینی و معادل‌یابی کلمات اصل هم‌نشینی واژه‌ها در برخی از جملات مغفول واقع شده است. به همین دلیل، معادل‌هایی ناآشنا و نامأنوس در نثر ترجمه ملاحظه می‌شود که از روانی متن می‌کاهد.

## کتاب‌نامه

ادونیس، احمد علی سعید (۱۳۹۷)، *بوطیقای عربی*، ترجمه حسین ابویسانی و امید پورحسن، تهران: امیرکبیر.

ادونیس، احمد علی سعید (۱۹۸۹)، *الشعرية العربية*، بیروت: دار الآداب.

۲۰۴ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیست‌ویکم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۰

- بشارین برد (۱۹۸۱)، *دیوان شعر بشارین برد*، تحقیق بدرالدین العلوی، بیروت: دار الثقافة.
- بوهور، حبیب (۲۰۰۷)، «الخطاب الشعری و الموقف النقدي فی کتابات الشعراء العرب المعاصرين أدونیس و نزار قبانی نموذجاً»، *أطروحة الدكتوراه فی الأدب العربی الحديث*، جامعة منتوری - قسنطينة.
- بیٹس، مارسیا جی. (۱۳۸۷)، «مقدمه‌ای بر فرآیندها، نظریه‌ها، و الگوها»، ترجمه غلام حیدری، *مجله کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی*، دوره ۱۱، ش ۴.
- پالامبو، گیزیه (۱۳۹۰)، *اصطلاحات کلیدی در ترجمه*، ترجمه فرزانه فرحزاد و عبدالله کریم‌زاده، تهران: قطره.
- خزاعی فرید، علی (۱۳۹۳)، «نقد ترجمه در ایران: روش‌ها و آسیب‌ها»، *نامه فرهنگستان*، ش ۵۵.
- خیر، هانی (۲۰۱۰)، *ادونیس شاعر الدهشة و کنافة الکلمة*، دمشق: دار رسلان للطباعة و النشر و التوزیع.
- رضائی، ربابه (۱۳۹۶)، «واژگان تحول‌یافته عربی در فارسی و چالش فراروی مترجمان»، *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، س ۷، ش ۱۶.
- ژیل، دانیل (۱۳۹۴)، *درک و آموزش ترجمه*، ترجمه فاطمه میرزا ابراهیم تهرانی، تهران: قطره.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۷)، *شعر معاصر عرب*، تهران: سخن.
- لطفی پورساعدی، کاظم (۱۳۷۱)، *درآمدی به اصول و روش ترجمه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- المعجم الوسیط (۱۴۲۵)، *مجمع اللغة العربیة*، قاهره: مکتبة الشروق الدولية.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ معین*، تهران: ادنا.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۳)، *دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- ناظمیان، رضا (۱۳۸۱)، *روش‌هایی برای ترجمه از عربی به فارسی*، تهران: سمت.
- ناظمیان، رضا (۱۳۹۱)، *فن ترجمه از عربی به فارسی*، تهران: سمت.
- نصیری، حافظ (۱۳۹۰)، *روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه‌شده از عربی به فارسی*، تهران: سمت.
- یسوعی، کامبل و روبرت ب. الأب (۱۹۹۶)، *أعلام الأدب العربی المعاصر: سیر و سیر ذاتیة*، بیروت: الشركة المتحدة للتوزیع.